



زائر کوی رضا باش که
برکت اینجاست

گفت و گو با رضا رحیمی عنبران
که فقط شعر آیینی می‌سراید
صفحه ۷

شماره ۴۱ ♦ سانشین ۱۷ مرداد ۱۳۹۶ ♦ ۱۵ ذی‌القعدة ۱۴۳۸

حج؛ کانون پالایش
روح و جسم



♦ حجت‌الاسلام ابراهیم بهاری
واعظ و کارشناس معارف اسلامی
صفحه ۲

www.gudsonline.ir



گفت و گوی متفاوت با خانواده حاج رضا انصاریان
که نامش با امام رضا (علیه السلام) گره خورده

اخلاص حاجی صلواتش را ماندگار کرده

صفحات ۴ و ۵





دریای رحمت

سوره مبارکه حجر

سیدمحسن گرسویی، پیشکسوت مداحی کشور با بیان توصیه‌هایی به مداحان و جوانانی که تازه به این عرصه وارد می‌شوند، گفت: «درست است که نگاه به کار مداحی بسیار ارزشمند است اما راه خوبی برای امرار معاش نیست. لذا توصیه می‌کنم همه مداحان جوان و علاقه‌مندان ورود به این عرصه کار دیگری را در کنار مداحی داشته باشند تا بتوانند در کنار آن خوانندگی و نوکری سیدالشهدا (علیه السلام) را برای خودشان به عنوان یک علاقه ذاتی و دلی قرار دهند. داشتن شغل در کنار مداحی باعث می‌شود از این طریق بتوانند عشق و ارادت خودشان را به معصومین (علیهم السلام) نشان دهند و وارد کارهای مادی نشوند».



«نَبِّیَّ عِبَادِی اَنِّی اَنَا الْغَفُورُ الرَّحِیمُ / به بندگانم خبر بده که من آمرزنده و مهربانم». (آیه ۴۹ سوره حجر)

آب هرچند آلوده باشد- حتی لجن هم شده باشد- زمانی که حرکت کند و به دریا برسد صاف و زلال می‌شود و اصلا با چیزی که قبلا بوده فرق می‌کند. یادمان باشد خدا دریای رحمت است که مهربانی‌اش انتها ندارد و ما مانند آب آلوده اگر به اغوش رحمت او باز گردیم هرقدر هم آلوده باشیم باز کار تمام است و پاک می‌شویم. بنابراین هیچ‌وقت ناامید نباشیم و به رحمت خدا امیدوار باشیم.



حج؛ کانون پالایش روح و جسم

حجت‌الاسلام ابراهیم بهاری، واعظ و کارشناس معارف اسلامی

دنیا محوری است. انسانی که تمام تلاش و آسایش خود را در راه کسب مادیات به هدر می‌دهد و در راه لذت‌های زودگذر زندگی به مصرف می‌رساند، باید برنامه و مقرراتی داشته باشد که هرچند به طور موقت محور کار او را از دنیاگرایی، به خداگرایی تغییر دهد. بنابراین خستگی و فرسودگی جسمی که به حاجی دست می‌دهد، جزئی از اسرار حج و مانند دست‌اندرهائی است که در مسیر صاف جاده زندگی انسان قرار گرفته تا انسان را از خواب غفلت بیدار کند.

رفتن به خانه خدا و انجام اعمال حج در روح و جان افراد تأثیر می‌گذارد و هوای نفسانی را در وجود انسان کنترل می‌کند. در حقیقت حج‌گزار در عرصه حساس جهاد اکبر، خود را برای مبارزه‌ای آشکار با نفس اماره مهیا می‌کند. امام رضا (علیه السلام) مهم‌ترین دستاوردهای مراسم حج را در این نکته تبیین کرده که حاجیان ارزش‌های اخلاقی و تربیتی‌ای را که در حج به دست آورده‌اند به دست فراموشی نسپارند و به این اعمال ارزش‌ها استمرار ببخشند. یکی از اسرار مهم حج، تواضع و فروتنی است. امام علی (علیه السلام) فرموده: «خداوند حج بیت خود را بر شما واجب کرد و آن را علامت تواضع حاجیان در مقابل عظمت خود و نشانه خضوع و اعتراف آنها به بزرگی خویش قرار داد». کسی که برای اطاعت امر الهی به سفر حج می‌رود، آماده این فريضة سنگین می‌شود و همه وظایف شرعی را بی‌کم و کاست بین خود و خداوند رعایت می‌کند. این مسئله نشان می‌دهد که این انسان باایمان تسلیم اوامر الهی است و در مقابل حضرت باری تعالی متواضع و خاشع است و به بزرگی او اعتراف دارد. امام رضا (علیه السلام) درباره آثار اقتصادی حج فرموده: «حج برای تأمین مصالح و منافع تمام مسلمانان شرق و غرب دریا و خشکی و حاضر و غایب از حج است». وقتی مسلمانان گرد کعبه جمع می‌شوند، برای کل جهان اسلام برنامه‌ریزی اقتصادی می‌کنند. چون جهان اسلام باید به واسطه خودش خودکفا شود. اینکه در روایت آمده در حج برای کل جهان اسلام برنامه‌ریزی اقتصادی کنند، این کار توجه به دنیا نیست در حالی که حج می‌رود که از دنیا دور شوند. می‌گویم اگر به منافع شخصی فکر کنند، اشتغال به دنیا نیست ولی وقتی برای جامعه اسلامی برنامه‌ریزی کنند، توجه به دنیا نیست. طبق فرمایش امام صادق (علیه السلام) یکی از اهداف حج تقویت تجارت مسلمانان و تسهیل روابط اقتصادی است. در پرتو همین اثر اقتصادی تمام مسلمانان از هر قشر و طبقاتی آنجا گرد هم می‌آیند و این یکی از نشانه‌های انسجام اسلامی است که باعث تجلی وحدت و همدلی مسلمانان بر محور قبله‌ای واحد می‌شود.

آثار فرهنگی حج

در حج تفقه صورت می‌گیرد، یعنی کسانی که به حج می‌روند مسائل دینی و اوضاع جهان اسلام را درک کرده و در برگشت به شهر خود به دیگران منتقل می‌کنند در حج اخبار و احادیث معصومین (علیهم السلام) به هر منطقه و ناحیه‌ای می‌رسد. در دوران خفقان زمان ائمه، حج درچه‌ای به سوی آزادی بود و در آن ایام خدمت ائمه می‌رسیدند و سوال می‌کردند و اخبار را به نقاط مختلف جهان می‌بردند. مردم از این طریق معارف ناب اسلامی را در جریان دیدار با امام معصوم فرا می‌گرفتند و بازگشت به سراسر جهان اسلام منتقل می‌کردند. در حال حاضر هم آثار رسول‌الله (صلی الله علیه و آله) از این مرکز به تمام دنیا پخش می‌شود و می‌توان از طریق پربایستی همایش‌ها و کنگره‌های گوناگون مسائل فرهنگی اسلام را از این مرکز به سراسر دنیا اعلام کرد. طبق روایات در زمان غیبت امام زمان (علیه السلام) آن حضرت هر سال آنجا حضور دارد و حاجیان را می‌بیند ولی آنها او را نمی‌بینند. امام صادق (علیه السلام) فرموده: «در آخرالزمان مردم امام خود را نمی‌یابند و او در موسم حج حضور می‌یابد و مردم را می‌بیند ولی آنها او نمی‌بینند». حج‌گزار با معرفت با داشتن این باور نه تنها رغبت بیشتری به انجام اعمال خالصانه حج نشان می‌دهد بلکه لحظات حضور را غنیمت می‌شمارد و کمال حرمت و احترام را در پاداش آن مکان مقدس و حضور شایسته بجا می‌آورد و با امام عصر تجدید عهد می‌کند. طبق فرمایش امام رضا (علیه السلام) اینها منافع است که حج برای بشر دارد و هم منافع معنوی را شامل می‌شود و هم منافع مادی را.

اسلام دینی است که برای همه ابعاد فردی و اجتماعی انسان که او را به سوی کمال هدایت کند برنامه دارد. این احکام و برنامه‌ها از یک‌سوریشه در واقعیت زندگی انسان و استعدادهای او دارند و از سوی دیگر به پایداری و آرمان‌هایی که انسان باید به سوی آنها حرکت کند متصل می‌شوند. از این رو برنامه عملی زندگی انسان که از آن به «احکام و آموزه‌های وحیانی» تغییر می‌شود براساس مصالح و مفاسد تشریع شده همین تشریع احکام بر مبنای مصالح و مفاسد موجب شده در ادبیات دینی و اخبار و احادیث بابی تحت عنوان «فلسفه احکام» باز شود و از علت و حکمت واجبات و محرمات سخن به میان آید. این امر به وضوح از عقلانی بودن آموزه‌های اسلام حکایت دارد و تفاوت ماهوی ایمان اسلامی را با ایمان مسیحی بازگو می‌کند. در تاریخ اسلام هرگاه مباحث عقلانی رواج بیشتری داشته‌اند، موضوع فلسفه احکام نیز مطرح بوده. دوره امام رضا (علیه السلام) یکی از همین دوره‌هاست که به دلیل تلاش‌های گسترده امام صادق (علیه السلام) در ترویج اسلام، گسترش علم و دانش و رشد خردگرایی، فلسفه احکام مورد توجه قرار گرفت و مسائل زیادی از امام هشتم پرسیده شد. روایات زیادی از امام رضا (علیه السلام) نقل شده که به آثار و اسرار گوناگون حج اشاره دارند. در این روایات دو گونه آثار ذکر شده: ۱. آثار طبیعی مثل آثار اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی ۲. آثار مافوق طبیعی مثل اینکه کسی که حج بجا می‌آورد خدا او را از غیر مستغنی می‌کند و به او سلامتی می‌دهد.

آثار اخلاقی و تربیتی حج

حج وارد شدن به خدا و به میهمانی او رفتن است و مسلماً برای ورود به حریم خدا باید آماده شد و خود را از آلودگی‌ها پاک کرد و تمام دلبستگی‌ها و وابستگی‌های دنیوی را کنار گذاشت. در حج از خداوند طلب فروزی می‌کنند. بدین معنا که یکی از ابعاد حج، رشد هرچه بیشتر اخلاق و ارزش‌های انسانی و بالا بردن سطح فهم و آگاهی است. از دیگر آثار حج خارج شدن از گناهانی است که بنده به آنها آلوده شده در حالی که از گناهان گذشته توبه کرده. از دیدگاه امام رضا (علیه السلام) حج پالایشگاه روح از آلودگی‌های گناه است. از این رو اسلام برخلاف دنیای مدرن امروز به انسان تحت عنوان یک وسیله و ابزار مادی نگاه نمی‌کند بلکه به ساختار روحی و معنوی او عنایت دارد. در حج انسان به بذل مال موفق می‌شود و بدنش به زحمت می‌افتد. زیرا یکی از خصلت‌های زشتی که انسان را از مسیر فطری و الهی به انحراف می‌کشاند،



حجت‌الاسلام ابراهیم بهاری
واعظ و کارشناس معارف اسلامی

سلام ای همه رأفت!

روح‌الله مؤید، پژوهشگر دینی

زیارت کردن یکی از امور مهم روزانه است که هرقدر طرف‌های آن مهم‌تر باشد، از درجه بالاتری برخوردار خواهد بود. برای مثال الان که ایام حج است می‌توان گفت یکی از مهم‌ترین زیارت‌ها، زیارت خانه خدا و زیارت مزار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ائمه مدفون در بقیع است. برای کسانی که این توفیق بزرگ را پیدا نکرده‌اند می‌توان گفت: «گر نه راهی به سوی حج داریم/ حرم ثامن‌الحجج داریم». زیارت علی بن موسی‌الرضا (علیه السلام) میان زیارت‌های اماکن مقدسه بالاترین ثواب را دارد و از بااهمیت‌ترین زیارت‌ها محسوب می‌شود. لازم به ذکر است که اعتقاد به این زیارت مخصوص شیعیان اثنی‌عشری است که این تخصیص با عبارت «أنا من شروطها» رابطه مستقیم و جداناپذیری در حدیث شریف «سلسله‌الذهب» دارد که از امام هشتم نقل شده و آن حضرت راه یافتن به شهر امن توحید را مشروط بر ولایت کرده. از این جهت زیارت این امام غریب به صورت خاص مورد تأکید ائمه بزرگوار بوده. ابونصر بزنطی می‌گوید به امام جواد (علیه السلام) گفتیم آیا زیارت پدرتان معادل هزار حج است؟ امام فرمود به خدا سوگند معادل هزار هزار حج است برای کسی که زیارت کند و حق او را بشناسد. از این حدیث برمی‌آید که جایگاه شناخت و معرفت ثامن‌الحجج (علیه السلام) در زیارت بسیار مهم است که چنین ثواب بزرگی را مشروط به آن کرده‌اند. شرایط زیادی را برای زیارت ذکر کرده‌اند از جمله طهارت ظاهری و باطنی، پوشیدن لباس مناسب، آهسته قدم برداشتن، ذکر گفتن در راه، خواندن اذن دخول، زیارتنامه، نماز، دعا و... اما آنچه بیشتر باید به آن توجه داشت توجه قلبی به امام است. شاید مهم‌ترین خصوصیت زیارت همین توجه و حضور قلب باشد. در سفارشات آیت‌الله بهجت (رحمته الله علیه) این طور آمده: «زیارتان قلبی باشد. در موقع ورود اذن دخول بخواهید. اگر حال داشتید به حرم وارد شوید. اگر هیچ تغییری در دل شما به وجود نیامد و دیدید حالتان مساعد نیست، بهتر است به کار مستحبی دیگری بپردازید. سه روز روزه بگیرید و غسل کنید. بعد به حرم بروید و دوباره از حضرت اجازه ورود بخواهید». آیت‌الله بهجت حضور قلب و توجه را آنقدر برای زیارت مهم می‌داند که حتی زیارت بدون حضور قلب را سفارش نمی‌کند. اگر در حرم حاضر باشیم و دل در گرو یار نباشد چه بهره‌ای می‌توان از آن زیارت برد؟ به قول شاعر: «هرگز حدیث حاضر غایب شنیده‌ای؟ من در میان جمع و دلم جای دیگر است». باید کوشید با تمام وجود به زیارت رفت. حالا این سوال پیش می‌آید که چه کار کنیم تا حضور قلب بیشتری داشته باشیم؟ شکی نیست که توجه به اوصاف و کرامات امام رضا (علیه السلام) می‌تواند دامنه حضور قلب بیشتری را فراهم کند یا دقت در مستجاباتی همچون آهسته راه رفتن، ذکر گفتن، اذن دخول خواندن و... مسئله کاربردی‌تر این است که امام را حاضر بدانیم و با او صحبت کنیم. طبق فرمایش امام رضا (علیه السلام) امام همدم و رفیق، پدر، پسر، برادر برابر، مادر دلسوز به کودک و پناه پندگان خدا در گرفتاری است. وقتی یک جوان به حرم می‌آید باید احساس کند پیش رفیق و همدمی آمده که او را می‌فهمد و مشکلاتش را برطرف می‌کند. هرگاه فرزندی به حرم می‌آید باید امام را همانند پدری دلسوز و مهربان یا برادری برابر و غمخوار ببیند که اندوهش را از بین می‌برد و مشککش را حل می‌کند.



حجت الاسلام فرحزاد از مبلغین و روحانیون خواست ضمن اهتمام به رفع مهجوریت از اعیاد ذی الحجه، مردم را برای اختصاص موقوفات به جشن های اهل بیت (علیهم السلام) همچون میلاد، عید غدیر و امثال آن تشویق کنند؛ «بر ما یک فرض و وظیفه است که همان گونه که عزاداری های اهل بیت را با شور و شوق برگزار می کنیم، به همین میزان باید میلاد اهل بیت و مجالس مدح و شادی را با شور و شوق فراوان برگزار کنیم. رفتار و کردار ما نباید این گونه باشد که ۹۰ درصد از تلاش و انرژی خود را برای عزاداری و روضه خوانی اختصاص دهیم اما برای جشن و شادی میلاد اهل بیت (علیهم السلام) تنها ۱۰ درصد برنامه ریزی داشته باشیم چراکه این امر کم لطفی ما شیعیان به اهل بیت است».

تربیت مجاهد فی سبیل الله

هیئت مکتب الرضا (علیه السلام) برنامه های ویژه ای برای نوجوانان و جوانان دارد و کارهای بزرگ اجتماعی و خانوادگی برای هیئتی ها انجام می دهد. درواقع می خواهد کارها زیربنایی انجام شود. احمد ذوالفقاری می گوید: «هدف اصلی تشکیل هیئت، احیای شعائر و ارزش های اسلامی و تربیت انسان های صالح و متقی است؛ درواقع انسانی با مشخصه مجاهد فی سبیل الله و به عبارت بهتر مجاهد پیروز. از اقدامات مهم و اثرگذاری که از اولین سال های تشکیل هیئت به صورت مستمر تاکنون ادامه دارد، مشاوره و راهنمایی فرد به فرد با بخش قابل توجهی از اعضای جلسه است که این راهنمایی ها نه تنها در زمینه اقتصادی بلکه در تمامی مسائل مهم زندگی دوستان راهگشا و مؤثر بوده. اعضای ثابت هیئت از دوران نوجوانی و جوانی و تجرد تا زمان تأهل و بعد از آن تحت این مشاوره های مستمر با نگاه اسلام ناب قرار گرفته و می گیرند، که خوشبختانه تأثیرگذار بوده است».

مقابله با شبهه افکنی و تبلیغات ضد فرهنگی دشمن

یکی از وظایف اصلی هیئت ها مقابله با جنگ نرم و شبهاتی است که دشمنان به دنبال تحقق آن هستند. فعالیت جدی ای که بسیاری از هیئتی های با استعداد در فضای مجازی انجام می دهند تشکیل کانال تلگرام و پیج اینستاگرام است. مسئول هیئت مکتب الرضا (علیه السلام) با اشاره به فعالیت های فرهنگی و سایبری می گوید: «یکی از محورهای مهم و اصلی هیئت مکتب الرضا (علیه السلام) مقابله با جنگ نرم است. این موضوع مهم را در عرصه های مختلف داریم پیگیری می کنیم و آموزش های لازم را از سنین کودکی به افراد می دهیم. هیئت کانالی دارد که در آن به طرح و پیگیری شبهات می پردازیم. در پاسخ به این پرسش برخی از جوانان که می گویند چقدر هیئت ها می توانند در رفع معضلات اجتماعی و کاهش مشکلات انسانی و خانوادگی مردم تأثیرگذار باشند، می گویم هیئت های مذهبی اساسا باید محل رفع و رجوع مشکلات مردم باشند چراکه ما برای کسانی مراسم می گیریم و از فضایل و مناقب و سیره آنها (ائمه) دم می زنیم که بیشترین هم و غم شان رفع مشکلات مردم بوده است».

حرکت در مسیر احیای فرهنگ ناب اسلامی

ذوالفقاری درباره اینکه هیئت مکتب الرضا (علیه السلام) چقدر توانسته در زمینه اشاعه فرهنگ ناب اسلامی مؤثر باشد، می گوید: «هیئت ما سعی دارد راهبرد اصلی حرکت خود را در راه احیای فرهنگ ناب اسلامی قرار دهد و برای این منظور تا به حال فعالیت های متعددی انجام داده. مثلا برگزاری مراسم متعدد مناسبی و هفتگی مذهبی، جلسات مستمر و متعدد مشاوره ای، کلاس های مختلف برای کودکان و نوجوانان دختر و پسر، هیئت ویژه کودکان و نوجوانان، اردوهای مختلف تفریحی- فرهنگی راهیان نور، پیاده روی اربعین، تشکیل گروه نمایش های آیینی و اجرای این نمایش ها در مناسبتهای مختلف در مساجد، حسینیه ها و ... همان طور که گفته شد دغدغه ما در کنار احیای شعائر دینی، تربیت انسان های صالح برای نظام اسلامی است و همواره کوشیده ایم در حد فهم و توان خود و براساس شاخص هایی که رهبر معظم انقلاب نشان می دهند و نسبت به آن حساسیت دارند اقدام کنیم و از این طریق تا حدودی موجب رضایت ولی عصر (عج) را فراهم آوریم».

سلاقی شخصی نداریم

هیئت ها معمولا در تعمیق معنویت رویکرد اثرگذاری را در دستور کار خود دارند و هیئت مکتب الرضا (علیه السلام) هم از این قاعده مستثنی نیست. او درباره این برنامه خاص و ویژه می گوید: «قطعا وجود جلسات توسل، عزا و شادی اهل بیت (علیهم السلام) و ذکر معارف دینی و فضایل معصومین در تعمیق معنویت جوانان تأثیرگذار بوده و هست و قطعا به هر میزان که تلاش و اخلاص ما نوکران و خادمان عرصه هیئت بیشتر و بهتر باشد این اثرگذاری به مراتب افزایش بیشتری خواهد داشت. بدون شک اگر فعالیت های هیئت خودمان را براساس نگاه و نظر فقهای متعدد دین قرار ندهیم و صرفا درگیر سلاقی شخصی خودمان بشویم از مسیر رضایت ائمه اطهار (علیهم السلام) فاصله خواهیم گرفت. در وهله بعدی اگر بناسست حقیقتا در هیئت ها به احیای ارزش های اسلامی پردازیم و از نفوذ اجانب و بیگانگان و ترویج فساد در میان نوجوانان و جوانان و عموم مردم جلوگیری کنیم باید در مسیر رفتار شبکه ای، تعامل و ارتباط مناسب و ایجاد جبهه یکپارچه فرهنگی در مجموع هیئت های مذهبی کشور پیش برویم».



مسئول مکتب الرضا مشهد از فعالیت های این هیئت و دغدغه هایش می گوید

ضرورت ایجاد جبهه فرهنگی در هیئات

محمدحسین خانیان

۱۴ سال قبل درست در ایامی که با شهادت امام رضا (علیه السلام) گره خورده بود برای احیای فرهنگ ناب اسلامی گرد هم آمدند و هیئت مکتب الرضا را در مشهد بنیان گذاشتند. یکی از محورهای مهم و اصلی این هیئت مقابله با جنگ نرم است که برای آشنایی بیشتر نوجوانان و جوانان با مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی به تناسب روحیات و ذائقه فکری شان برنامه های متنوعی دارد. احمد ذوالفقاری، مسئول هیئت مکتب الرضا (علیه السلام) یکی از این جوانان تلاشگر است که اعتقاد دارد وقتی از فضایل، مناقب و سیره اهل بیت (علیهم السلام) دم می زنیم باید بیشترین هم و غم ما رفع مشکلات مردم باشد چراکه این وظیفه هیئتی هاست. برای شناخت بیشتر با فعالیت های هیئت مکتب الرضا (علیه السلام) با احمد ذوالفقاری گفت و گو کردیم.





۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰

همزمان با سالروز میلاد ثامن الحجج (علیه السلام) فاز نخست پروژه زائرشهر رضوی با ظرفیت اسکان ۵ هزار نفر با حضور امام جمعه مشهد، تولیت آستان قدس رضوی، استاندار خراسان رضوی و جمعی از مسئولان عالی رتبه استانی افتتاح شد. معاون فنی و عمرانی موقوفات آستان قدس رضوی در این مراسم گفت: «زائرشهر رضوی در زمینی به مساحت حدود ۳۵ هکتار در حال احداث است که از حدود ۲۲۰ هزار متر مربع زیربنا مشتمل بر فضاهای اقامتی و خدماتی تشکیل می شود».



طنین دلنشین صلوات خاصه اش دلت را تا بارگاه ملکوتی خورشید هشتم می برد: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ عَلَى مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى الْإِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الْأَرْضِ، الصَّدِيقِ الشَّهِيدِ، صَلَاةً كَثِيرَةً تَامَةً زَاكِیَّةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَوْلِيَائِكَ...» فرقی نمی کند در کجای این دنیای خاکی باشی. حتی اگر هزاران کیلومتر با حرم رضوی فاصله داشته باشی باز نوای خالصانه حاج رضا انصاریان چشمان تو را بارانی می کند و دلت را امام رضایی. انگار همین دیروز بود که برای نخستین بار صدای روح بخش صلوات خاصه اش شنیده می شد و حاج رضا انصاریان می گفت: «بالاخر من افتخار من این است که توانستم صلوات را به محضر امام رضا تقدیم کنم. انصاریان بدون امام رضا (علیه السلام) هیچ است و ایشان اراده فرموده اند که صلوات را تقدیم شان کنم». در روزهایی که به دهه کرامت گره خورده بود سراغ خانواده یکی از خادمان خاص امام هشتم رفتیم تا از سبک زندگی او برآیمان بگویند. همسر، دختر بزرگ و برادرزاده مرحوم حاج رضا انصاریان (خانم زروندی، زینب انصاریان و علی اصغر انصاریان) از سبک زندگی این خادم رضوی برای ما گفتند.



● حاج خانم! چطور شد که از خوانسار به مشهد آمدید و در این شهر ماندگار شدید؟

مثل همه دختر و پسرهای آن زمان به طور سنتی ازدواج کردیم بدون اینکه ذرای شناخت نسبت به هم داشته باشیم. من متولد قم بودم و حاج رضا متولد خوانسار اما هر دو ساکن قم بودیم. حاج رضا اوایل ازدواج مقلد امام خمینی (ره) بود و علاقه خاصی نسبت به ایشان داشت. بعد از ۱۵ خرداد و شهادت حاج آقا مصطفی فعالیت های انقلابی حاجی اوج گرفت. سال ۵۰ هنوز یک هفته از مراسم نامزدی مان نگذشته بود که حاجی را گرفتند و به زندان اوین بردند. بعد از اینکه آزاد شد، چون در قم هویتش شناخته شده بود به مشهد مهاجرت کردیم و مشهد تبدیل به مرکزی برای ادامه فعالیت های انقلابی او شد و اواخر سال ۵۵ در مشهد ماندگار شدیم.

● ملاک های شما و حاج رضا برای ازدواج چه بود؟

خدا رحمت کند حاج رضا را. به من گفت به عنوان ذاکر امام حسین (علیه السلام) مسئولیتی دارم. اگر می خواهی با من ازدواج کنی نسبت به اینکه من شهرستان می روم و دیر یا زود می آیم راضی باش. افتخار می کردم حاجی نوکر امام حسین است. به او گفتم تا آخر با تو هستم.

● فکر می کنید در وجود ایشان چه ویژگی هایی وجود داشت که صلوات خاصه امام رضای ایشان این اندازه ماندگار شد؟

همیشه می گفت امام رضا (علیه السلام) زوفا و راضی بوده من هم باید مثل ایشان از همه چیز راضی باشم. وقتی کسی مشکلی داشت و اظهار نیاز می کرد بدون اینکه چیزی بپرسد به او کمک می کرد یا هر وقت از آستان قدس پولی می گرفت آن را به مردم می داد و می گفت این پول مال امام هشتم است و برای همه برکت دارد. به خاطر اخلاق خوب حاجی همه دوستش داشتند. با اینکه بسیار احساساتی بود و نسبت به خانواده احساس مسئولیت داشت اما هر جا بودیم خودش را به مراسم حرم می رساند و چیزی جلودارش نبود. هر وقت می روم حرم او را تجسم می کنم. حاجی زیاد به خواب می آید و طوری در خواب صحبت می کند که انگار همیشه با ماست. بچه ها همیشه می گویند بابا هست و از تمام کارهای ما خبر دارد.

● زینب خانم! کدام خصوصیت اخلاقی پدرتان بیشتر برای شما نمود داشت؟

اصلا اهل توصیه کردن و نصیحت کردن نبود بلکه رفتار و برخوردش



گفت و گوی متفاوت با خانواده حاج رضا انصاریان
که نامش با امام رضا (علیه السلام) گره خورده

اخلاص حاجی صلواتش را ماندگار کرد

♦ مجتبی برزگر

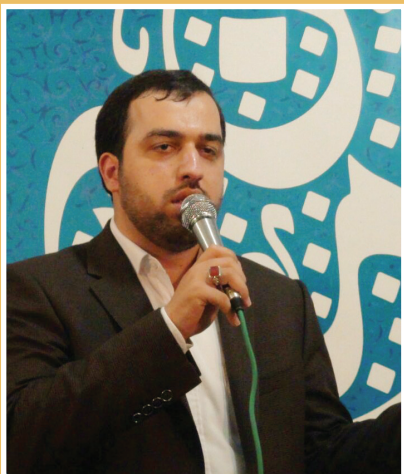




اعضای بدن شاعر آیینی خراسان استاد غلامرضا شکوهی اهدا شد. احسان شکوهی فرزند آن مرحوم گفت: «پدرم دچار سکتة مغزی شد و به دلیل دیر رسیدن به بیمارستان دچار مرگ مغزی شد. او دوست داشت اعضای بدنش را اهدا کند، بنابراین تصمیم گرفتیم اعضای بدنش را اهدا کنیم». شکوهی از جمله شاعران پیشکسوت خراسان بود که سال‌ها به فعالیت‌های فرهنگی و هنری پرداخت و شاگردان زیادی را تربیت کرد. از او آثار متعددی به یادگار مانده که از جمله آنها می‌توان به «یک ساغر نگاه» و «سرهمای در غزل» اشاره کرد.

امام رضا به عمو رضا مدال داد

علی‌اصغر انصاریان مداح و طلبه جوانی است که خیلی‌ها تا صدای او را می‌شنوند یاد حاج رضا انصاریان می‌افتند. او در مورد خصوصیات اخلاقی عمویش که همیشه افتخار می‌کند ستایشگری را از او آموخته، می‌گوید: «خیلی با اخلاص می‌خواند و همین روی قلب مردم تأثیر داشت و آنها را دگرگون می‌کرد؛ چه با آن نوای صلوات خاصه که عالم‌گیر شد و همه جا پخش می‌شود و چه با خواندن مدح و مرثیه. برای معروف شدن و برای اینکه بخواهد کسی را بشکند نمی‌خواند. حاج عمو یک‌بار در مجلسی منتظر نوبت بود تا بخواند ولی مداحی که می‌خواند نگذاشت وقت به او برسد. مجلس به درازا کشید و عمو نتوانست بخواند. سال‌ها بعد عمو رضا آن مداح را دوباره در مجلسی دید اما این بار که حاج عمو پشت میکروفن بود گفت آقای فلانی تشریف آورده‌اند. من هنوز وقت دارم. شاید ایشان برنامه‌ای داشته باشند. وقت خواندن خودم را به ایشان می‌دهم. ان‌شاءالله بعد در خدمت شما هستم و باز برای شما می‌خوانم. این کار تأثیر زیادی روی آن بنده خدا و خواندن حاج عمو داشت. عده‌ای از من می‌پرسند چطور شد این صلوات خاصه آنقدر ماندگار شد؟ من ثمره این ماندگاری را در اخلاص حاج عمو می‌دانم. شاید امام رضا علیه‌السلام می‌خواست مدالی به حاج عمو بدهد. واقعا عموی من پناهنده شده بود. ما اصالتا مشهدی نیستیم و پدربزرگ ما خوانساری بود. وقتی عمو رضا پنج ساله بود خانواده‌اش به قم می‌آیند و عمو تا ۲۰ سالگی در قم می‌ماند و بنابر دلایلی به مشهد می‌رود. قرار بود چند سال بعد دوباره برگردد اما دیگر ماندگار شد. ثمره ماندگاری صلوات خاصه، گذشت، اخلاص، تقوا و دعای پدر و مادر عمو رضا بود که بارها می‌گفت من هرچه دارم از پدر و مادرم است. همیشه می‌گفت وقتی می‌خواهی بخوانی نگاه نکن که چه کسی پای منبر تو نشسته. باور کن که برای امام رضا علیه‌السلام می‌خوانی و حضرت نشسته و تو را می‌بیند».



که حرف زشتی نزیند و برخورد بدی با کسی نداشته باشید. مخالف کف زدن در هیئت بود و می‌گفت با کف زدن حرمت معصومین شکسته می‌شود.

● فکر می‌کردید اینقدر زود شما را تنها بگذارند؟

هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم به این زودی ما را ترک کند. روزی به من گفت تا زنده‌ام نمی‌فهمید این صلوات خاصه چه تأثیری داشته. وقتی از دنیا رفتم به ارتباط من با امام رضا علیه‌السلام پی می‌برد. همین‌طور هم شد. بعد از فوتش این ارتباط را به من نشان داد. یک شب در خواب دیدم خورشید روی دریا طلوع کرده و حاج رضا با لباس آستان جایی ایستاده.

● ظاهراً هیچ‌وقت برای خادمی امام رضا علیه‌السلام به کسی مراجعه نکردند. ماجرا از چه قرار بود؟

اوایل انقلاب به حاجی گفتم به آیت‌الله طبعی بگو آرزوی خادمی امام رضا علیه‌السلام را داری. می‌گفت هیچ‌گاه این کار را نخواهم کرد. خود حضرت اگر بنده را قابل بداند انتخاب می‌کند. تا اینکه روزی در جلسه‌ای در حرم می‌خواند که آیت‌الله طبعی حکمش را نوشت و حاج رضا ۲۵ سال خادم شد. می‌توانست جایگزین داشته باشد اما نرفت و از این امتیازات استفاده نکرد. همیشه می‌گفت اینکه حضرت به من نگاه کند و جواب سلام من را بدهد مرا بس است. حتی موقعی که فوت کرد چون پرونده‌های مربوطه کامل نبود به او جا نمی‌دادند. به خاطر همین می‌خواستیم او را به کربلا ببریم و آنجا دفن کنیم اما آستان قدس نگذاشت و حاجی را در حرم امام رضا علیه‌السلام به خاک سپردند.

● زینب خانم! اولین باری که صلوات خاصه را شنیدید چه حال و هوایی داشتید؟

یادم می‌آید در خانه پدر بودم که صلوات خاصه را از تلویزیون شنیدم. اوایل این صلوات خاصه خیلی جا نیفتاده بود. آرام آرام معروف شد و در مهد کودک‌ها و مدارس هم این نوای دلنشین به گوش می‌رسید. یکی از نکاتی که به طور مستقیم باعث شد این صلوات خاصه ماندگار شود اخلاص پدر بود.

● به نظر شما چرا برخی از نواها و بعضی از مداحان و اشعار این اندازه در دل و ذهن مردم تأثیر گذارند؟

وقتی سر سفره اهل بیت علیهم‌السلام خوب نوکری کنید آنها چشم‌پوشی نمی‌کنند چرا که وقتی برای اهل بیت کوچک‌ترین قدمی را بردارید آنها دهم‌ها مرتبه برای شما جبران می‌کنند. گاهی اوقات به پدر می‌گفتم راه این مجلس که شما را دعوت کرده‌اند دور است. می‌گفت برای نوکر فرقی نمی‌کند هر جا و هر طوری باشد وظیفه‌اش را انجام می‌دهد.

نوعی توصیه برای ما بود و بسیاری از مسائل را با رفتار، اخلاق و گذشت و مهربانی‌ای که داشت به ما یاد می‌داد و به همه محبت می‌کرد. تمام زندگی ما با پدر خاطره بود. با رفتارش همه ما را اسیر خود کرده بود. هیچ‌وقت با تذکر رفتار نمی‌کرد و زندگی‌اش سرشار از محبت بود. هر وقت اشتباهی از ما سر می‌زد می‌گفت این رفتار شما درست نیست. بهتر بود این طور می‌گفتید. با زبان خوش همه را اسیر خودش کرده بود. عقاید عمیقی داشت. هر وقت شروع به خواندن می‌کرد حال عجیبی داشت و در تمام طول خواندن گریه می‌کرد. همیشه می‌گویم کاش رفتار پدر در وجودمان نقش بسته باشد و ما لیاقت این اخلاق، منش و رفتار را داشته باشیم. هر چه می‌گذرد بیشتر فکر می‌کنم که اخلاق و ویژگی‌های پدرم با بقیه فرق می‌کرد. به طور کلی پدرم انسان خوش اخلاقی بود. هیچ‌وقت از پدرمان بداخلاقی ندیدیم. حتی اگر ناراحتی و گرفتاری داشت. برای همه خوب می‌خواست. بعد از اینکه از دنیا رفت خیلی‌ها به ما زنگ می‌زدند و می‌گفتند چه‌بیه دختر ما را حاج‌آقا داده.

● حاج‌رضا از راه مداحی امرار معاش می‌کردند؟

خانم زروندی: در ماه محرم هر چه پاکت می‌گرفت آنها را روی هم می‌ریخت تا متوجه نشود چه کسی چقدر داده. می‌گفت اینها برای ما برکت است. بخش عمده‌ای از پول‌ها را میان نیازمندان تقسیم می‌کرد و به همه می‌گفت این پول برای امام حسین علیه‌السلام است و برکت دارد.

● از ماجرای صلوات خاصه‌شان هیچ‌وقت حرفی می‌زدند؟

می‌گفت نمی‌دانم کی و کجا این زیارت خاصه را خواندم. چون وقتی شروع به خواندن می‌کرد در حال و هوای خاصی قرار می‌گرفت. اینقدر حال خوبی داشت که دیگر جا و مکان برایش اهمیتی نداشت اما به نظرم سحرهای ماه رمضان که در صحن آزادی برای ضبط می‌رفت همانجا برای نخستین بار زیارت خاصه را خواند. حتی اهل نظر ایراد می‌گرفتند که فلان جا «الف» را کم گفتم! در پاسخ به آنها می‌گفت در حال و هوای خاصی بودم که این صلوات را خواندم و ضبط کردند. همیشه می‌گفت من سربازم و آماده‌ام برای همه بخوانم. درواقع برای او شاه و گدا فرقی نمی‌کرد. همیشه در کلاس‌ها به شاگردانش می‌گفت قبل از خواندن، اهل بیت علیهم‌السلام را در نظر بگیرید و گریه کنید. اگر این حال به شما دست داد، مداح می‌شوید و حرف و خواندنتان روی مردم تأثیر گذار است. چون وقتی اهل بیت را در نظر بگیرید، دیگر حواستان هست



۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹
۱۰
۱۱
۱۲

حجت الاسلام شیخ حسین انصاریان با بیان اینکه کره زمین را در چارچوب فساد به اسارت کشیده اند و تمام درها را بسته اند، گفت: «اینکه می گویم درها را بسته اند بی دلیل نیست. چون کتاب های خیلی از دانشمندان اروپایی و آمریکایی را که نگاه کردم، دیدم نوشته بودند فساد در جهان مطلقا قابل علاج نیست. به جز یک دانشمند مسیحی که در سخنرانی خود در دانشگاه هند بعد از شمرن انواع مفاسد جهان گفته بود نه مجالس قانونگذاری جهان توان در مان فساد را دارند، نه دولت ها، نه دادگستری ها، نه نیروهای انتظامی، نه اساتید دانشگاه ها، نه معلمان و نه مربیان. در مان این فساد در قدرت هیچ صنفی نیست و فقط یک دارو در جهان هست که می تواند پنج قاره را در مان کند و در واقع یک راه برای علاج فساد مانده که آن هم «اسلام» است.»

مجلس روضه حتما باید سخنران داشته باشد. حتی در جلسات خودمان قبل از سخنران مسائل شرعی مثل پرسش و پاسخ بیان می شود. چون مستمع قبل از هر چیز باید مسائل شرعی را به خوبی یاد بگیرد. لذا مجالس حتما باید از وجود سخنرانان خوب بهره ببرند.

● از بحث توجه به جوانان خارج نشویم. کم کم باید عرصه را به جوانان سپرد و به آنها اعتماد کرد. آیا توان پذیرش مسئولیت هیئت داری را در جوانان امروز می بینید؟

خیلی زیاد. چون همین جوان ها به مرور زمان پیر غلام مجالس می شوند. به شرطی که شرایط فراهم شود و بزرگ ترها و اساتید به آنها میدان بدهند. اداره کردن مجالس امروز به مراتب سخت تر از گذشته است. بزرگ ترها تجربیات خودشان را در اختیار جوان ها قرار بدهند، کنارشان باشند و پشتیبان نسل جوان باشند.

● در برخی از مجالس عزاداری، مداحان رفتارهایی می کنند که شاید خیلی با حماسه حسینی همسویی نداشته باشد.

نظر تان در این خصوص چیست؟

این مسئله واقعا ضربه بزرگی به کل جامعه مداحان می زند. چرا که یک مداح باید در وهله اول، خودش را از هر لحاظ کنترل کند. چون خیلی از کارهای کارها برای مداح مناسب نیست و باید از هر لحاظ، الگو باشد. خیلی از جوانان مداحان ما را الگوی خودشان قرار می دهند و از هر کاری از جمله لباس پوشیدن، حرف زدن و، حتی راه رفتن گرفته تا کوچک ترین مسائل اخلاقی مداح را ما پیروی می کنند.

● دغدغه اصلی امروز تان چیست؟

دغدغه اصلی من بی سرو سامان بودن بعضی از مداحی ها و سبک هاست که از زیاد شدن آن رنج می برم. سبک هایی که موجب آسیب و ضربه زدن به جلسات می شود و متأسفانه جوانان ما هم نسبت به این سبک و نوع خواندن علاقه شدیدی نشان می دهند اما به مرور زمان می بینند که چقدر از این دریچه به ما آسیب وارد شده.

مداح باید منبع درآمد دیگری داشته باشد

برخی از مداحان برای رفتن به جلسات مبالغی می گیرند که در شأن مجالس اهل بیت علیهم السلام نیست. سعید قانع از ستایشگرانی است که نسبت به موضوع طی کردن های مداحان گلایه هایی دارد تا جایی که معتقد است مداح باید راهی غیر از ستایشگری را برای امرار معاش خود انتخاب کند: «مسئله صله که این روزها خیلی روی آن تأکید می شود متأسفانه در جامعه بد جلوه پیدا کرده. من کاری به طی کردن مبلغ ندارم. اگر مداح در کنار مداحی کسب و کاری داشته باشد همیشه موفق خواهد بود. اینکه می گویم به اصل مسئله صله کاری ندارم برای این است که معصومین به روضه خوانان و شعرا صله می دادند ولی طی کردن در دستگاه اهل بیت علیهم السلام دین شأن حضرات معصومین است. اکثر مداحان قدیمی ما تأکید داشتند که صله ستایشگری برکت زندگی است اما در کنار مداحی مداحان حتما باید شغلی را برای خودشان انتخاب کنند. حضرات معصومین به ستایشگران و شاعران صله های ارزشمندی می دادند تا هیچ وقت بدهکار کسی نباشند.»

● نسل امروز علاقه زیادی به ستایشگری اهل بیت دارند.

به نظر شما چه معیارهایی برای مداح شدن وجود دارد؟

بدون شک اولین و تأثیر گذارترین معیار یک مداح صدای خوب است. در وهله بعدی اطلاعات کافی نسبت به کاری است که می خواهد انجام بدهد و در زمینه زندگی و مسیر زندگی اهل بیت نیز باید مطالعات زیادی داشته باشد.

● توصیه اساتید تان در حوزه مداحی چیست؟

یکی از توصیه های آنها خلوتی است که مداح باید برای خودش داشته باشد. در این خلوت، تحقق مواهبی همچون توسل، نماز اول وقت، احترام به پدر و مادر و عمل کردن به آنچه از مستمعین می خواهیم امکان پذیر می شود.

● کدام یک از تغییر سبک ها را قبول دارید و کدام یک را رد می کنید؟ آیا به انحراف در مداحی اعتقاد دارید؟

مقام معظم رهبری بارها در دیدار مداحان بر نوآوری و ابتکار عمل مداحان تأکید داشتند اما نوآوری و ابتکاری که سبک و آداب مداحی اصیل و سنتی را زیر سوال ببرد و به فراموشی سپرده شود اصلا نوآوری نیست. این روزها جوان ها نسبت به سبک شور خیلی علاقه مندند و هر روز نبوغ خاصی را در این زمینه به کار می برند اما شور همراه با شعور، محتوای جلسه را بالا می برد و کمک می کند جریان ستایشگری از مسیر درست و اصولی خودش دور نشود.

● اصولا با آسیب شناسی مجالس عزای سیدالشهدا موافق هستید و اگر هستید چه چیزهایی را باید آسیب شناسی کنیم؟

به نظر من آسیب وجود دارد. چون اگر از چارچوب هر موضوعی خارج شویم و نسبت به قوانین آن پایبند نباشیم و اصطلاحا ساز مخالف بزنیم قطعاً شاهد آسیب و آفت در آن موضوع خواهیم بود. این روزها جوان ها عده ای از مداحان را الگوی خود قرار می دهند که متأسفانه بعضی از مسائل را رعایت نمی کنند. این آفت ها به انتخاب سبک ها، اشعار ضعیف و نامناسب و حتی برخورد و روابط اشتباه در هیئت ها برمی گردد.

● شما از نسل مداحانی هستید که انتقاد به آنها زیاد است؛ اینکه عده ای استاد ندیده اند و بعضاً شأن جلسات اهل بیت را رعایت نمی کنند یا شورهای نامتعارف می خوانند. این نقد را به هم نسلان خودتان وارد می دانید یا نه؟

هم می دانم، هم نمی دانم. بحث استاد واقعا یکی از انتقادات مهم است که متأسفانه به قول حاج علی انسانی الان همه استادند و دیگر شاگرد پیدا نمی شود! متأسفانه هر روز بر میزان مداحانی که استاد ندیده باشند افزوده می شود؛ ستایشگرانی که هیچ اعتقادی به استاد ندارند. از آن طرف هم هست که بعضی از اساتید و بزرگان به جوانانی که می خواهند مداحی را شروع کنند و نیاز به بعضی از بسترها دارند اهمیت نمی دهند. اگر به آنها میدان بدهند و نسبت به شعر و سبکشان اشراف لازم را داشته باشند این انتقادات به مراتب پایین می آید و آسیب ها کمتر می شود.

● در خیلی از مجالسی که مداحان جوان تر آنها را اداره می کنند بیشتر سینه زنی مورد نظر است و با وجود روایات زیادی که در مورد روضه خوانی داریم، روضه و اشک جایگاه خود را ندارد. جلسات شما چگونه است و برای این مسئله چه برنامه های دارید؟

اصولا مداحی را که روضه خوان نباشد یا نتواند روضه بخواند قبول ندارم و سعی می کنم در این نوع مجالس شرکت نکنم. هرچه روایت داریم همه در رابطه با روضه خواندن و اشک ریختن است. متأسفانه بیشتر مجالس شده سینه زنی! برگردیم به سوال قبلی تان که استاد داشتن مهم است. همه حرف بزرگ ترها و اساتید این است که مجلس باید با پندها و اشعار خوب شروع شود و روضه خوانی صحیح و سالم برگرفته از منابع موقد داشته باشیم چرا که اشک ریختن چیز دیگری است و برکات عجیبی برای زندگی به دنبال دارد.

● در هیئت تان چقدر به منبر اهمیت می دهید و برای آن برنامه ریزی می کنید؟



سبک زندگی شخصی و مداحی در گفت و گو با سعید قانع

مداحی سنتی را قربانی نوآوری نکنیم

سید محمد حسین خانیان

سال ۶۲ به دنیا آمد و در خانواده ای مذهبی رشد یافت. با اینکه از دوران کودکی او را به عنوان مداح می شناختند اما هیچ گاه شغلش مداحی نبوده. وقتی از او پرسیدند چرا برای گذران معیشت به راهی غیر از مداحی اصرار داری، گفت: «در بندگی چون گدایان به شرط مزد مکن / که خواجه خود روش بنده پروری داند». او همیشه خودش را مدیون پدر و مادرش می داند و اعتقاد دارد برای اینکه سیدالشهدا علیهم السلام از مداح راضی باشد باید پدر و مادر از او رضایت داشته باشند. سعید قانع در بحث ادب هم خیلی ها را شگفت زده کرده چرا که تا مدت ها فقط پای منبر بزرگانی همچون استاد اکبرزاده، مؤید و خوش چهره زانو زده و همیشه دوست داشته بیشتر یاد بگیرد. با او درباره سبک زندگی و مداحی دقایقی به گفت و گو نشستیم.





حجت‌الاسلام محمدجواد حاج‌علی اکبری، رئیس مرکز رسیدگی به امور مساجد گفت: «در عظمت ماه ذی‌القعدة همین بس که خدا در این ماه برای حضرت موسی (علیه‌السلام) موعد و میعاد مشخص کرد و زمان و مکان پذیرایی خاصی برای پیامبرش در نظر گرفت. خدا در آیه ۱۴۲ سوره اعراف به ۳۰ شب تأکید دارد چراکه در تمام مباحث ملکوتی و سلوکی، اتصال به عالم معنا، راهیابی به باطن عالم، برداشت‌های عالی معنوی، فتوحات و معنایابی‌ها عمدتاً در شب اتفاق می‌افتند. تمام ایام ماه ذی‌القعدة حول محور رضا (علیه‌السلام) مظهر رأفت و رحمت الهی است.»



گفت‌وگو با رضارحیمی عنبران
که فقط شعر آیینی می‌سراید

زائر کوی رضا باش که برکت اینجاست

سعید سعیدی

«شعر برای ایرانی‌ها یک هنر ذاتی محسوب می‌شود چراکه از لایسی گهواره تا لا اله الا الله پای تابوت تمامی مطالبی که می‌شنویم همه به صورت موزون و شعرگونه‌اند و دارای سبقه تاریخی و ادبی بسیار عظیمی هستند. مطالبی که در کودکی به ما ایرانی‌ها آموخته می‌شوند درواقع با شیر مادر به وجود ما منتقل می‌گردند. بعضی از این موهبت خدادادی استفاده می‌کنند و برخی دیگر استعداد خود را صرف موضوعات دیگری می‌کنند اما در ضمیر همه مردم به ویژه ایرانی‌ها حس شاعرانگی وجود دارد.» این جملات بخشی از گفته‌های شاعر آیینی خراسانی است که متولد مشهد است و در جوار ملکوتی امام رضا (علیه‌السلام) بزرگ شده. رضارحیمی عنبران دانشجوی رشته روانشناسی اجتماعی که تا به حال آثار زیادی از او در رسانه‌ها، روزنامه‌ها و فضای مجازی منتشر شده قصد دارد سال آینده اشعار خود را در قالب کتاب منتشر کند.



● جلسات شعرخوانی هم تشکیل می‌دهید یا دورهمی‌های شاعرانه برگزار می‌کنید؟

از سال ۸۸ تا ۹۳ جلسه‌ای تحت عنوان «نجم شعر هشتم» داشتم که خودم مجری آن بودم. این جلسه اگرچه به صورت خانگی تشکیل می‌شد اما خیلی بابرکت بود و بسیاری از شعرای جوان که الان در خراسان صاحب‌نام شده‌اند به آن می‌آمدند اما به دلیل مشغله و دغدغه‌هایی که همه با آنها سروکار داریم، تداوم آن از سال ۹۳ دیگر میسر نشد. البته با بسیاری از دوستان به صورت تخصصی و کارگاهی روی شعرها نقد و بررسی می‌کنیم که خروجی خوبی دارد.

با خاطرات صحن‌گوهرشاد زنده‌ایم

مهتر ودیعه‌ای است که در هر نهاد ماند
خورشید محو روی تو هر بامداد ماند
راهی که می‌رسد به خدا از حریم توست
خوشبخت آن کسی که بر این اعتقاد ماند
هر کس که توشه‌ای نگرفت از ولای تو
در ابتدای معنی زادالمعاد ماند
هر گز نمی‌رسد به حریم بهشت دوست
آن دل که با محبت تو در تضاد ماند
می‌آمدی به سمت خراسان و تا ابد
پشت سر تو زمزمه «وان یکاد» ماند
از عطر نام تو همه جا پرگلاب شد
بازار داغ عطر فروشان کساد ماند
کوچه به کوچه عشق تو را جار می‌زدند
بر دست کاتبان دو سه هفته مداد ماند
هر کس نوشت نام تو را، اهل علم شد
هر کس نتواند مدح تو را بی‌سواد ماند
سوگاتی حضور تو در یاد مانده است
آری حدیث سلسله در این بلاد ماند
با خاطرات صحن‌گوهرشاد زنده‌ایم
رنجین‌ترین قیام خدایی به یاد ماند
در شاهراه عشق به باب‌الرضا رسید
آن دل که زیر سایه باب‌الجواد ماند
دیروز آدم حرم و تا سلام بعد
شیرینی تلاوت نامت به یاد ماند



● چطور شد که سر از دنیای شعر درآوردید؟

در دوران دبیرستان تمایل زیادی به خواندن اشعار شاعران نلمی و معاصر کشور داشتم. همین مسئله باعث شد اشعار زیادی را حفظ کنم. حفظ شعر موجب شد ناخودآگاه در حرف‌هایم از شعر استفاده کنم. همین موضوع انگیزه‌ای شد که علاقم به شعر از حالت بالقوه خارج شده و بالفعل شود و استعداد ذاتی‌ام در زمینه سرودن شعر را شکوفا کنم.

● فقط در سرودن شعر آیینی فعالیت می‌کنید یا در سایر سبک‌ها هم شعر سروده‌اید؟

به طور کلی به جز شعر آیینی شعر دیگری نگفته‌ام چراکه از نظر من اگر قرار است شعر بگویم، باید برای توصیف بهترین و پاک‌ترین افراد شعر بگویم. پس چه کسی بهتر از حضرات معصومین. تمامی اشعارم آیینی است اما ابیاتی را هم برای همسرم سروده‌ام.

● شعرها بتان جوششی هستند یا کوششی؟

درواقع شاعر با الهام از اتفاقات پیرامون و دیدن و شنیدن یک‌سری صحنه‌ها و مسائل، موضوع اصلی شعر را در ذهن خود پرورش می‌دهد و در راستای تحقق آن کوشش می‌کند. به تعبیر دیگر شعر به طور طبیعی ابتدا جوششی است و بعد شاعر با کوشش خود در جهت صیقل دادن جوشش خود آن را به مرحله نهایی می‌رساند. روزی در حرم بودم و دیدم زائری نشسته و به یکی از دیوارها تکیه داده طوری که پشت او به بارگاه امام رضا (علیه‌السلام) بود. خواستم به او بگویم پشت به حضرت است اما ناخودآگاه برای خودم زمزمه‌کنان گفتم: «تکیه‌گاهم تویی اما نکنم پشت به تو/ به تو دلگرمم و از مهر تو پشتم گرم است» و به زیارت پرداختم. از این گونه موارد زیاد است که با الهام از یک موضوع ناخودآگاه دست به قلم می‌شوم و بی‌آنکه بدانم متوجه می‌شوم در کمتر از پنج دقیقه یک غزل گفته‌ام.

● بیشتر از کدام یک از شعرالگو گرفته‌اید یا شعرهای کدام شاعر انگیزه‌تان را در این مسیر بیشتر کرده؟

با اشعاری که به دل می‌نشینند ارتباط برقرار می‌کنم. شعرایی چون فاضل نظری و مرتضی امیری اسفندقه جزو افرادی هستند که انگیزه شاعری را در من دوچندان کرده‌اند. استاد اسفندقه نه تنها با اشعارشان بلکه با راهنمایی‌هایشان مرا همواره یاری داده‌اند. ایشان شعر می‌دانند با این مضمون: «شعری مباش ورد زبان مرفهان/ شعری بشو که دربه‌دران از برت کنند/ اسکار یا نوبل چه تمنای کوچکی/ باید قبول مردم این کشور کنند». من همیشه این شعر را در ذهن دارم.

● وضع شعر آیینی جامعه را چطور ارزیابی می‌کنید؟

شعر آیینی امروز متشکل از سه زبان محاوره، ادبیانه و زبانی بین این دو است. اینکه گفتم استاد اسفندقه در من تأثیر گذار بودند از این جهت بود که ایشان زبان میانمای دارند شعر آیینی باید در عین داشتن ظاهر زیبا، از باطن شعری باکیفیت نیز برخوردار باشد. وقتی می‌خواهیم مطلبی را به زبان شعر بگوییم، باید به کنه و ذات شعر توجه داشته باشیم. همه مردم متوجه ظاهر شعر می‌شوند اما باطن شعر درواقع همان قسمتی است که مردم را به فکر فرو می‌برد و این مسئله خیلی مهم است. بگذارید یک مثال ساده از اشعار فاضل نظری بزنم: «یک نقطه بیش فرق رحیم و رحیم نیست/ از نقطه‌ای بترس که شیطانیت کند». مشکلی که الان در شعر آیینی داریم این است که بعضی از شعرا تنها به مستمعین اکتفا می‌کنند در حالی که همه مستمعین ادیب و آگاه از قواعد دستوری نیستند. آنها فقط عاشق اهل بیتند. این عدم توجه باعث می‌شود شاعر راه خود را اشتباه برد. تنها راه نجات شاعر این است که به خانه استاد برود و زانو بزند و راه شاگردی را در پیش بگیرد. دلیل موفقیت تمام بزرگان این است که آنها شاگردی کرده‌اند. جا دارد در اینجا گذشت استاد غلامرضا شکوهی را نیز تسلیت بگویم که حق بزرگی بر شعر آیینی کشور داشتند و تا سال‌های سال چنین فردی را نخواهیم داشت. استاد شکوهی مانند پدری مهربان برای اشعار من دلسوزی می‌کردند و همیشه با حوصله فراوان به نقد آنها می‌پرداختند. شعرایی که می‌خواهند برای اهل بیت (علیهم‌السلام) شعر بنویسند باید بلاغت کافی را داشته باشند تا بتوانند حق مطلب را در توصیف بزرگان ادا کنند و این میسر نمی‌شود جز با رجوع به متون اصیل ادبیات آیینی، احادیث و روایات.



جمعی از وعاظ مطرح کشور در قالب جامعه وعاظ انقلابی به همت گروه جهادی همای رحمت با خانواده های شهدا، جانبازان و ایثارگران لشکر فاطمیون افغانستانی دیدار کردند و ضمن تقدیر از آنها در جریان مشکلاتشان قرار گرفتند. حجج اسلام دانشمند، مؤمنی، موسویان، عبدالملکی، بی آزار تهرانی، صمدی و جمعی دیگری از منبری ها در این دیدار حضور داشتند.



سه شنبه های مهدوی

همان طور که غروب جمعه دلگیر است و دلت می خواهد با خودت خلوت کنی و بروی به دور از هیاهو یک گوشه دنج بنشینی اما سه شنبه ها، برعکس دلت باز می شود و دلت می خواهد بروی گوشه دنج دیگری بنشینی و با منجی خود راز و نیاز کنی؛ و آن گوشه دنج جایی جز جمکران نیست. همین که یکبار سه شنبه شنبی پایت به مسجد جمکران باز شود، علاوه بر زیبایی مناره ها و عظمت و بزرگی محوطه مسجد، داخل مسجد آنقدر گیراست که به عبارتی آدم را پاگیر می کند که باز به آنجا سر بزنند. عده ای سعادت دارند و البته اراده که نیت می کنند ۴۰ سه شنبه هر طور که شده خودشان را به جمکران برسانند و از فضای معنوی و فضایل آن برای خود توشه ای ذخیره کنند. عدد ۴۰ و چله گیری ریشه در مذهب دارد و تکرار ۴۰ بار در بعضی از اعمال مستحب وارد شده. بعضی از علما و مؤمنین در بعضی اماکن نظیر مسجد سهله برای برآوردن حاجات خود ۴۰ شب بیتوته می کنند. در امت های گذشته نیز حضرت موسی (علیه السلام) ۴۰ شب در کوه طور به عبادت خداوند مشغول بوده. همه اینها دلیلی شده اند که برای رفتن به مسجد جمکران ۴۰ بار متوالی صورت گیرد تا تأثیر به مراتب بیشتری داشته باشد. به قول فاضل نظری: «ستی نه از پیاله نه از خم شروع شد/ از جاده سه شنبه شب قم شروع شد/ اینه خیره شد به من و من به اینه/ آنقدر خیره شد که تبسم شروع شد/ خورشید در همین به تماشای من گرفت/ آنگاه آتش از دل هیزم شروع شد/ وقتی نسیم آه من از کوچها گذشت/ بی تابی مزارع گندم شروع شد/ موج عذاب یا شب گرداب، هیچ یک/ دریا دلش گرفت و تلاطم شروع شد/ از فال دست خود چه بگویم که ماجرا/ از ربنای رکعت دوم شروع شد/ در سجده توبه کردم و پایان گرفت کار/ تا گفتم السلام علیکم شروع شد».



مناجات نامه

❖ **خدا یا! فتنه فزونی گرفته، بلا بزرگ شده و آزمایش شدت یافته است. خدا یا! اسرار هویدا شده و رازها برملا شده و پرده ها افتاده است.**

❖ **خدا یا! زمین تنگی می کند و آسمان خودداری. خدا یا! در این حال و روز شکایت جز به تو به کجا می توان برد؟ جز بر زانوی تو سر بر کجا می توان نهاد؟ جز به ریسمان تو به کجا می توان آویخت؟ جز در پناه تو کجا می توان سکنی گزید و جز بر تو بر که می توان تکیه کرد؟**

❖ **خدا یا! در سختی و آسانی تکیه گاه جز تو کیست و پناهگاه جز سایه سار مهر تو کجاست؟**

❖ **خدا یا! به حق عزیزانت سوگو کند باران گشایش را بر ما ببار و از آستان فرجت نسیمی بر دل های خسته جاری کن.**

سید مهدی شجاعی



چهارده - ضمیمه هفتگی روزنامه قدس

ویژه هیئت ها و محافل مذهبی

مدیر مسئول: ایمان شمسایی

دبیر ویژه نامه: رضا صیادی

طراح نامواره: محمد صمدی

با همکاری مؤسسه فرهنگی هنری عقیق www.aghigh.ir

www.qudsonline.ir

داریم با «حسین حسین» پیر می شویم...

یکی از سنت های زیبای هیئت های قدیمی گرفتن عکس یادگاری با کتیبه و پرچم هیئت بوده که در این سال ها فراموش شده است. پیشنهاد می کنیم دست به کار شوید و پس از پایان مجلس تان یک عکس یادگاری دسته جمعی بگیرید و برای «چهارده» ایمیل کنید تا در همین صفحه منتشر شود.

qudsonline14@gmail.com



[حسینیة نورالزهر، غروب عاشورا، خیابان شادمان]



کتاب

ادبایان در خدمت انسان



کتاب «ادبایان در خدمت انسان» حاوی برخی سخنرانی ها، پیام ها و مصاحبه های امام موسی صدر است که از موضوع سخنرانی تاریخی او در کلیسای کیوشین بیروت اقتباس شده. ماجرا از این قرار بود که امام موسی صدر برای موعظه آغاز روزه به این کلیسا دعوت شده بود. این رویداد بی نظیر که برای نخستین بار شکل می گرفت، از جامعیت و جایگاه امام موسی صدر و احترام و مقبولیتش نزد مسیحیان حکایت داشت و نشانه این بود که او با عملکرد خود در بیان حقایق آسمانی و معنویت مشترک میان ادیان، جایگاه ویژه ای در مقام منادی معرفت و معنویت دارد. این کتاب که توسط گروهی از مترجمین ترجمه شده، به مجموعه ای از عکس های گوناگون امام موسی صدر مزین است تا گواه مجاهدت های خستگی ناپذیر او و نشان رنجوری اش از رنج های انسانی باشد که ادبایان برای او آمده اند.

کاتال تلگرام

احادیث شیعه

یکی از مستندات واعظان و سخنوران مذهبی استناد به روایاتی است که از معصومین (علیهم السلام) نقل شده و می تواند مانند چراغی فروزان ما را به سر منزل مقصود راهنمایی کند؛ روایت هایی که بیانگر سبک زندگی معصومین هستند و توصیه هایی که این بزرگواران فرموده اند تا انسان ها راه را از چاه تشخیص دهند اما گاهی اوقات دسترسی به این احادیث چندان آسان نیست و بعضا احادیثی می شنویم یا می خوانیم که به نظر می رسند جعلی باشند. شاید برای همین است که کارشناسان علوم حدیث یک کاتال تلگرامی راه اندازی کرده اند که «احادیث شیعه» نام دارد. با عضویت در این کاتال به نشانی t.me/ahadiseshia می توانید هر روز با تعداد زیادی از احادیث شیعه آشنا شوید و دانش خود را در این زمینه بالا ببرید.

